



در اوایل بهار، هوا لطیف و دل‌نشین می‌شود. دشت‌ها جامه‌ی سبز می‌پوشند و درختان، شکوفه می‌دهند. پرستوها، این پرندگان دوست‌داشتنی نیز از سفر دور و دراز خود، باز می‌گردند.

نخستین کار این مسافران از راه رسیده، این است که لانه‌های سال گذشته‌ی خود را بیابند؛ اگر آسیب دیده باشند، آنها را درست کنند و اگر لانه‌ها خراب شده باشند، از نو بسازند. پرستوهای جوان، هم‌که سال گذشته در لانه‌ی پدر و مادر خود به سر برده‌اند، اکنون باید بکوشند تا لانه‌ای برای خود بسازند. این پرستوهای جوان، ساختن لانه را خودشان به عهده می‌گیرند و بی‌آنکه از پدر و مادرشان بیاموزند، مانند آنها برای خود لانه می‌سازند.

وقتی کار ساختن لانه به پایان رسید، پرستوها تخم می‌گذارند. هر پرستو چهار تا شش تخم سفید می‌گذارد و دوازده روز روی آنها می‌خوابد. وقتی جوجه‌ها از تخم بیرون آمدند، پدر و مادر، با حشراتی که شکار می‌کنند، به آنها غذا می‌دهند. پس از

سه هفته، جوجه‌ها به دنبال پدر و مادر پرواز می‌کنند و راه و رسم زندگی را از آنها می‌آموزند.

پرستوها بهار و تابستان را به آسودگی به سر می‌برند؛ اما در آغاز پاییز دشواری‌هایی برای آنها پیش می‌آید. در آن هنگام، حشرات کمیاب می‌شوند و هوا کم‌کم سرد می‌شود. پرستوها ناچار می‌شوند به جاهای معتدل‌تری کوچ کنند. زمان کوچ آنها که فرا می‌رسد، دسته دسته روی بام‌ها یا سیم‌های برق جمع می‌شوند و به نظر می‌آید که به گفت‌وگوی مهمی مشغول هستند. خیلی زود، عده‌ای دیگر از راه دور می‌رسند و جنب‌وجوش آنها رفته رفته، زیادتر می‌شود. تا اینکه یک روز صبح که از خواب برمی‌خیزیم، از پرستوها نشانی نمی‌بینیم.

